

نقش زنان در هنر ایران در دوره‌های قاجار و پهلوی اول: با تأکید بر هویت، حجاب اسلامی و تحولات اجتماعی

چکیده

بررسی تاریخ هنر ایران بدون بازخوانی جایگاه و نقش‌آفرینی زنان، روایتی ناقص و تک‌بعدی خواهد بود. دوره‌های تاریخی قاجار و پهلوی اول، دو برههٔ سرنوشت‌ساز و سرشار از تحولات عمیق فرهنگی، ساختاری

و اجتماعی در تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌روند. در این میان، زنان ایرانی همواره با اتکا به ریشه‌های اصیل دینی، هویت ملی و حفظ عفاف و حجاب اسلامی، نه‌تنها سوژه‌هایی منفعل در پس‌زمینه تحولات نبودند، بلکه به‌عنوان آفرینندگان آثاری بدیع در عرصه‌های خوشنویسی، کتاب‌آرایی، نگارگری، بافندگی، رودوزی‌های سنتی، ادبیات، موسیقی و سپس آموزش نوین هنر، نقشی بنیادین ایفا کردند. این مقاله با رویکردی تحلیلی و مستند، به بررسی دقیق ابعاد حضور هنری زنان، پیوند ناگسستنی خلاقیت آنان با مرزهای حیا و حجاب، و تطور جایگاه زن از «حوزه اندرونی عصر قاجار» تا «چالش‌های تجدد آمرانه در دوره پهلوی اول» می‌پردازد.

فصل اول: درآمدی بر بستر تاریخی و فرهنگی حضور زنان در هنر

۱. چارچوب‌های جامعه‌شناختی و تفکیک فضاها

در دوره قاجار، ساختار اجتماعی ایران مبتنی بر دو ساحت تفکیک‌شده «اندرونی» و «بیرونی» استوار بود. این تفکیک فضا، که در معماری سنتی ایرانی نیز نمودی کالبدی داشت، ناشی از باورهای عمیق دینی و پایبندی به اصل حجاب و صیانت از حریم خانواده بود. با این حال، برخلاف پندار رایج در برخی منابع شرق‌شناسانه غربی که

اندرونی را صرفاً فضایی بسته، منفعل و فاقد زایش فکری پنداشته‌اند، اندرونی در ایران عهد قاجار کانون پویایی فرهنگی، ذوق‌آزمایی هنری و شکوفایی استعدادهای نهفته بود.

زنان ایرانی، چه در طبقات اشراف و دربار و چه در لایه‌های توده‌ای، ایلیاتی و روستایی، با التزام به پوشش اسلامی و حفظ چارچوب‌های شرعی، انرژی خلاقانه خویش را در قالب هنر متبلور می‌ساختند. حجاب اسلامی برای زن مسلمان ایرانی نه قیدی بازدارنده، بلکه لباسی از امنیت، تشخص و چارچوبی هویت‌بخش بود که درون آن توانمندی‌های روحی، بینش زیباشناختی و هنرپروری مجال بروز می‌یافت.

فصل دوم: جلوه‌های هنر آفرینی زنان در عصر قاجار

۱. خوشنویسی و کتابت مصاحف شریف

خوشنویسی همواره قدسی‌ترین هنر در جهان اسلام بوده است. زنان در عصر قاجار، با توجه به فضای معنوی خانه و التزام به حجاب که محیطی آرام و متمرکز برای ریاضت هنری پدید می‌آورد، در کتابت کلام‌الله مجید، ادعیه و متون عرفانی و ادبی به بالاترین درجات استادی دست یافتند.

- **ام‌سلمه (عصمت‌الدوله):** دختر

فتح‌علی‌شاه قاجار، از سرآمدان خط نسخ و ثلث در سده سیزدهم هجری بود. وی با پارسایی و پرهیزگاری شناخته می‌شد و بخش عمده‌ای از عمر خویش را در حجاب و خلوت هنری به کتابت قرآن کریم و کتب ادعیه گذراند. نسخه‌های خطی باقی‌مانده از وی، از جمله کتاب دعایی به خط نسخ ممتاز که در کاخ‌موزه گلستان نگهداری می‌شود، گواهی روشن بر مهارت اعجاب‌انگیز، دقت در اعراب‌گذاری و قدرت ترکیب‌بندی او در رقابت با بزرگ‌ترین اساتید مرد آن روزگار است.

- **ضیاءالسلطنه (شاه‌بیگم):** دیگر دختر

ادیب و خطاط فتح‌علی‌شاه که علاوه بر

خط شکسته و نستعلیق، در شعر و انشا
نیز تبحر داشت. او با مراعات کامل
شئونات اسلامی، جلسات ادبی و
خطاطی را برای دختران و بانوان در
دربار سامان می‌داد.

- **مریم بانو نائینی و خاور خانم:** از دیگر
کاتبان نام‌آشنایی بودند که با کتابت قرآن
مجید و مرقعات، آثار ارزشمندی در حوزه
موزه‌داری و میراث فرهنگی جهان اسلام
برجای گذاشتند.

۲. نگارگری، گل‌ومرغ و تذهیب

در عرصه نقاشی سنتی، هرچند به سبب حیا
و فضای پوشیده آن دوران، زنان کمتر آثار

خود را با نام آشکار امضا می‌کردند و اغلب از عباراتی متواضعانه چون «کمینه»، «کنیز حضرت زهرا» یا ارجاعات کلی استفاده می‌نمودند، اما دست‌نوشته‌ها و مرقعات نشان می‌دهد که تذهیب بسیاری از شاهکارهای قرآنی و کتاب‌های درباری به دست توانای زنان مؤمن انجام گرفته است. شیوه نقاشی زیرلاکی (پایه‌ماشه) بر روی جلد کتب، قلمدان‌ها و قاب‌آینه‌ها از جمله مهارت‌هایی بود که زنان هنرمند با حفظ خلوت خویش خلق می‌کردند.

۳. نساجی، فرش‌بافی و رودوزی‌های سنتی؛ هندسه معنایی زنان

پایه‌ای‌ترین و گسترده‌ترین بخش هنر زنان در دوره قاجار، صنایع دستی و بافندگی بود:

- **فرش ایرانی:** قالی‌های اصیل ایللیاتی (مانند قشقایی، بختیاری، ترکمن) و شهری، تماماً حاصل خلاقیت بی‌واسطهٔ زنان باحجاب ایرانی بود. زن مسلمان در این بافته‌ها، بدون نقشهٔ قبلی و با تکیه بر ذوق درونی و ادراک الهیاتی از طبیعت، نقوش بهشتی، گل‌وبوته و نگاره‌های اسطوره‌ای را گره می‌زد.

- **پته‌دوزی، سرمه‌دوزی، زردوزی و قلاب‌دوزی:** تزیین پوشاک، سجاده‌ها، پرده‌های متبرک بقاع متبرکه و بقچه‌های جهیزیه با نقوش اسلیمی و ختایی، تجلی عینی هنر خانگی زنان بود. زن در

پس چادر و چاقچور و حجاب کامل،
دستانی معجزه‌گر داشت که تاروپود
جهان پیرامون را به نمادهای پاکیزگی و
زیبایی بدل می‌ساخت.

فصل سوم: دورهٔ مشروطه و گذار به پهلوی اول؛ پایداری حجاب در میان امواج تجدید

۱. بیداری فکری و آموزشگاه‌های دخترانه

با وقوع انقلاب مشروطه، مطالبات اجتماعی
زنان گسترش یافت. در این دوره، زنان با
پایبندی به اصول دیانت و حجاب اسلامی

وارد تأسیس مدارس نوین، انتشار نشریات (همچون دانش و شکوفه) و تدریس هنر شدند. زنانی چون بانو مریم عمید سمنانی (مزین السلطنه) با انتشار نشریه شکوفه تأکید می‌کردند که فراگیری نقاشی، خیاطی، گلدوزی و ادبیات برای دختران مسلمان، ضامن استقلال شخصیتی، پرورش اخلاقی و ارتقای شأن مادری و همسری در جامعه است.

فصل چهارم: دوره پهلوی اول؛ هنر زنان در کشاکش هویت اسلامی و تجدد آمرانه

۱. سیاست‌های فرهنگی رضاخان

و مسأله کشف حجاب

دوران پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش) نقطه عطفی پرتنش در تاریخ زن ایرانی است. با صدور فرمان کشف حجاب اجباری در ۱۷ دی ۱۳۱۴، حکومت تلاش کرد تصویری دستوری، غربی و سطحی از «زن مدرن» ارائه دهد. سیاست رضاخانی تجدد را با تغییر لباس، برهنه‌سازی و حذف نمادهای سنتی یکسان می‌انگاشت.

این رویداد جامعه زنان هنرمند را به دو مواجهه بنیادین رساند:

- مقاومت هویتی و خانه‌نشینی اعتراضی: بخش گسترده‌ای از زنان هنرمند اصیل،

خطاطان، بافندگان و خانواده‌های مذهبی باایمان، برای حفظ حجاب و کرامت اسلامی خویش، محیط‌های اداری و عمومی نوبنیاد (مانند دانشسرای مقدماتی یا کارگاه‌های رسمی وابسته به دربار) را ترک کرده یا از ورود به آن‌ها امتناع ورزیدند و هنر خود را در حصن حصین خانه و محافل خصوصی زنانه پی گرفتند. آنان اثبات کردند که هنر نیازی به پرده‌داری ندارد و اصالت فکری را قربانی جلوه‌های ظاهری مدرنیزاسیون تحمیلی نکردند.

• استفاده هوشمندانه از آموزشگاه‌های

صنایع مستظرفه: در نقطه مقابل،

گروهی از زنان کوشیدند در مراکزی

مانند مدرسه صنایع قدیمه و کارگاه‌های

مینیاتور و تذهیب، اصالت‌های نگارگری سنتی ایران را زنده نگه دارند. حتی در این فضاها نیز زن ایرانی تلاش می‌کرد ریشه‌های شرقی، سنتی و هنجارهای متانت زنانه را در برابر تقلید کورکورانه از هنر آوانگارد غرب پاس بدارد.

۲. حضور زنان در هنرهای سنتی؛ امتداد خط و نگارگری

در دوره پهلوی اول، علی‌رغم فشارهای درباری برای ترویج سبک‌های وارداتی و نقاشی‌های فرنگی (ناتورالیسم و امپرسیونیسم غربی)، گرایش زنان به صنایع سنتی همچنان پررنگ بود:

- **تذهیب و نگارگری مکتب تهران:** بانوانی که نزد استادانی چون هادی تجویدی، حسین بهزاد و علی درودی آموزش می‌دیدند، جلوه‌های زن ایرانی را همواره با وقار، حیا، پوشیدگی شرقی و ترکیب‌بندی‌های پر رمز و راز به تصویر می‌کشیدند.

- **موسیقی سنتی و آواها:** در این دوران، نواختن سازهایی مانند تار، سه‌تار و سنتور در مجالس خصوصی و کلاس‌های اساتیدی چون مرتضی خان نی‌داوود و ابوالحسن صبا توسط زنان پیگیری می‌شد، در حالی که بسیاری از بانوان به دلیل پرهیز از فضاهای عمومی بی‌قید، هنر خود را تنها در جمع خانواده و محافل خاص بانوان به کمال می‌رساندند.

فصل پنجم: تحلیل تطبیقی جایگاه زن و هنر در دو دوره

مؤلفه دوره قاجار دوره پهلوی اول محیط اصلی
آفرینش هنر تحریم اندرونی، کارگاه‌های
خانوادگی و سنتی، بقاع متبرکه مدارس نوین
هنر، آموزشگاه‌های صنایع قدیمه،
خانه‌ها رابطه با حجاب اسلام‌پذیرش
عمومی، خودجوش و طبیعی حجاب
به عنوان شأن اجتماعی زنکشاکش، مقاومت
در برابر فرمان کشف حجاب و اصرار بر
حیاگونه‌های شاخص هنری کتابت قرآن،
تذهیب، قطاعی، فرش‌بافی، رودوزی، شعر
مذهبینگارگری، خطاطی، طراحی نقشه
فرش، موسیقی ملی، خیاطی نوین رویکرد

حاکمیت به هنر زنسنتی، حمایت موردی
دربار و شاهزادگان قاجار از
هنرمندانمدرنیزاسیون آمرانه و تلاش برای
بهره‌برداری تبلیغاتی از تصویر زنگرش به
زن در هنرنماد پوشیدگی، عرفان، حیا و
آفرینش خاموش و متواضعانه‌تقابل میان
تصویرسازی فرنگی و پایداری بر اصالت
سنتی-مذهبی

فصل ششم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مطالعه ژرف نقش زنان در تاریخ هنر عصر
قاجار و پهلوی اول آشکار می‌سازد که زن
مسلمان ایرانی همواره توانسته است
دیالکتیکی استوار میان «تعهد به ایمان و

حجاب» و «خلاقیت و نوآوری هنری» برقرار سازد.

در عصر قاجار، اندرونی به مدد حضور زن باحجاب، کانون زایش شاهکارهای تذهیب، قطعات ناب خوشنویسی و بافته‌های چشم‌نواز بود که هویت دینی جامعه را بازتاب می‌داد. در دورهٔ پهلوی اول، علی‌رغم یورش همه‌جانبهٔ مدرنیزاسیون رضاخانی برای بی‌هویت‌سازی حجاب و تحمیل الگوی غربی، زن مؤمن ایرانی با مقاومت در برابر کشف حجاب اجباری و صیانت از حدود شرعی، به همگان نشان داد که هنر ناب ریشه در جان، تفکر و معنویت دارد، نه در برهنگی و نمایش جسمانی.

از این‌رو، میراث هنری زنان در این دو قرن

معاصر، سندی ماندگار و پرافتخار از حیا،
کارآمدی، استقلال هویتی و نبوغ
زیبایی‌شناختی بانوی مسلمان در تاریخ تمدن
ایران به شمار می‌آید.



عناصر و نمادهای برجسته در تصویر:

• پوشش و عفاف اسلامی:

چادر مشکی فاخر به همراه روسری و چارقد سنتی و لباس پوشیده گل دوزی شده، نشانگر اصالت و التزام زن مسلمان ایرانی به شئونات دینی، در حین تمرکز کامل بر خلق اثر هنری است.

• هنر نگارگری، گل و مرغ و تذهیب:

بانو با قلم‌مویی ظریف مشغول نگارگری نقش سنتی «گل و مرغ» بر روی صفحه است؛ سبکی که در اواخر دوره قاجار اوج ظرافت

و معنویت هنر ایرانی را بازمی‌تاباند.

• هنر لاکی (پایه‌ماشه):

جعبه لاکی خاتم و گل‌وبوته در کنار دست او و قلمدان‌های سنتی، نشان‌دهنده مهارت برجسته زنان در رنگ‌آمیزی و تزیین جلد‌های روغنی، قلمدان‌ها و جعبه‌های جواهرات آن دوران است.

• معماری و اتمسفر اصیل ایرانی:

پنجره‌های ارسی با شیشه‌های رنگی چشم‌نواز، چشم‌انداز حیاط و کوشک ایرانی، فرش‌های دستباف اصیل و مخده‌ها و ظروف میناکاری، همگی بیانگر زیست فرهنگی غنی و فضایی معنوی است که در

آن، هنر نه برای جلوه‌گری، بلکه برآمده از
صفا و ذوق باطنی زن ایرانی شکوفا می‌شد.

